

سیاست‌گذاری و ارتقای کنش‌گری انسان دوستانه در بحران‌ها؛ مطالعه گروه‌های دانشجویی فعال در همه‌گیری کوئید ۱۹

احمد کلاته‌ساداتی^۱، زهرا فلک‌الدین^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/CSR.2021.23108.1884

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۱۷۴-۱۴۷

چکیده

تسهیل کردن اقدامات انسان دوستانه در بحران‌ها، یکی از اقدامات مهم سیاست‌گذاران اجتماعی است. بدین معنا که سیاست‌ها نه تنها نایبستی مانع اقدامات انسان دوستانه نشود، بلکه بایستی تسهیل‌کننده باشد. هدف مطالعه حاضر، کشف و واکاوی نگاه گروه‌های دانشجویی فعال در اقدامات انسان دوستانه در بحران کوئید-۱۹ نسبت به راهکارهای تسهیل مشارکت شهروندان و گروه‌های دانشجویی در بحران‌هاست. به این منظور، مطالعه‌ای براساس تحلیل چارچوب طراحی شد که در آن ۲۷ نفر از مسئولین گروه‌های دانشجویی و فعالان صف حاضر در موج اول و دوم کرونا در شهر یزد مشارکت داشتند. داده‌ها به شیوه مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری و به روش تحلیل چارچوب تجزیه و تحلیل شد. به طور کلی، مشارکت‌کنندگان بر لزوم نقش تسهیل‌کنندگی سیاست‌گذاران اجتماعی برای مشارکت هرچه بیشتر شهروندان و گروه‌های دانشجویی در بحران‌ها تأکید داشتند. چهار مضمون بر ساختار شده تحت عنوان بی‌طرفی، نهادسازی انتخابی-علمی، گفت‌وگو و مدارا، جامعه‌پذیری نوع دوستی و مسئولیت به عنوان راهکارهای پیشنهادی مطرح شد. الگوی چارچوب ما نشان می‌دهد که نوعی واگرایی بین سپهر فرهنگی و سپهر سیاسی در اقدامات انسان دوستانه بحران وجود دارد. پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاری‌ها نگاه جدی‌تر به ظرفیت گروه‌های دانشجویی در بحران‌ها داشته باشند، ضمن این‌که رویکرد اصلی آن‌ها بر بی‌طرفی سیاسی در مواجهه با اقدامات انسان دوستانه باشد. همچنین تمرکز بر جامعه‌پذیری و ارتقای فرهنگ عمومی در جهت مسئولیت‌پذیری بیشتر و فرهنگ گفت‌وگو و مدارا، به خصوص در بحران‌ها پیشنهاد می‌گردد. گروه‌های دانشجویی نیز نیازمند نهادسازی خاص بحران می‌باشند که از خصیصه تشکیلاتی و علمی برخوردار باشد.

کلیدواژگان: کنش‌گری، اقدامات انسان دوستانه، گروه‌های دانشجویی، بی‌طرفی، بحران کرونا.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

Email: asadati1392@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

۱. مقدمه

براساس پایگاه حوادث اضطراری (EM-DAT, www.emdat.be)، بلایای طبیعی که در سراسر جهان بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۱۵ م. رخ داده است، با بیش از ۶ میلیارد نفر آسیب‌دیده، بیش از ۱۳۵ میلیون بی‌خانمان، بیش از ۲٫۵ میلیون مرگ و ۲٫۷۱ میلیارد دلار خسارت به بار آورده‌اند. بلایای اصلی سال‌های اخیر عبارتند از: سونامی در جنوب آسیا (۲۰۰۴)، توفان کاترینا در ایالات متحده (۲۰۰۵)، زمین‌لرزه در پاکستان و جاوا (اندونزی)، شیلی (۲۰۱۰) و ژاپن (۲۰۱۱)، (یانز سان‌دیواری^۱، ۲۰۲۰: ۲). بلایا در چهار نوع طبقه‌بندی شده است؛ ۱- ناگهانی و طبیعی، مانند: گردباد، طوفان یا زمین‌لرزه. ۲- یک شروع طبیعی و آهسته، مانند: قحطی، خشک‌سالی و فقر. ۳- یک حمله ناگهانی ساخته دست بشر، مانند: حمله تروریستی یا کودتا، بیماری. ۴- یک شروع کند، مانند: یک بحران سیاسی (یانز سان‌دیواری، ۲۰۲۰: ۹). البته امروزه بیماری کرونا همه جهان را درگیر خودساخته است و به کشور خاصی محدود نمی‌شود. این مشکلات اثرات طولانی‌مدت عمیقی، مانند: اضطراب، عدم اطمینان، ناامیدی، غم و ترس، ایجاد می‌کنند. بی‌اعتمادی، احساس گناه، خاطرات ناگهانی، ایده‌های ترسناک، کابوس‌ها، ناتوانی جنسی، دل‌تنگی، ناامیدی و گسست پروژه‌های زندگی از این جمله‌اند (هاف میستر و ناوارو^۲، ۲۰۱۷: ۳۷). ایران به‌طور رسمی در ابتدای اسفند سال ۱۳۹۸ آلوده شدن به ویروس کرونا را گزارش نمود؛ اما در نهایت پذیرش مخاطرات گسترده‌ای ویروس و تلاش برای مهار و کنترل آن در اولویت اول، و مدیریت آثار و پیامدهای آن در اولویت بعدی، در دستور کار گروه‌های مختلف اعم از متولیان و مسئولان حاکمیتی و حکومتی، گروه‌ها و تشکل‌های تخصصی و غیرتخصصی، گروه‌های خودجوش مردمی قرار گرفت؛ و همگان با شدت و ضعف‌های مختلف در مسیر تحقق این دو اولویت گام برداشتند (اسکندریان، ۱۳۹۹: ۶۷). در کنار اقدامات دولتی و حاکمیتی، گروه‌های دانشجویی و هم‌چنین سازمان‌های مردم‌نهاد زیادی، اقدامات یاورانه و انسان‌دوستانه خود را آغاز کردند. این موضوع اهمیت یاری‌رسانی و اقدامات انسان‌دوستانه را به‌لحاظ سیاست‌گذاری بیشتر نمود.

اقدامات بشردوستانه باید پشتوانه تلاش‌ها و ظرفیت‌ها برای افراد آسیب‌دیده باشد تا به آن‌ها کمک کند تا در مواقع بحرانی از پس خود برآیند و انعطاف‌پذیری آن‌ها در برابر شوک‌ها و استرس‌های آینده را افزایش دهد (گیباز، ۲۰۲۰: ۵۰۰). درحالی‌که توجه کمتری به پاسخ‌های جامعه مدنی و سازمان‌های مردمی وجود دارد. حفظ هماهنگی آن‌ها در مواقع بحرانی برای پاسخ‌های محلی ضروری است (داگو فرانکو و همکاران، ۲۰۲۰: ۵۲۴). در واقع، یاری‌گری و بشردوستی از زمانی که انسان‌ها دورهم جمع شدند و

به فکر کمک به یکدیگر افتادند، شروع شد تا به امروز که به شکل‌های جدید به صورت سازمان یافته و تخصصی یا غیرسازمان یافته و غیرتخصصی گسترش پیدا کرده است. بشردوستی را حتی می‌توان قبل از آن در اسلام و ادیان آسمانی اشاره کرد که انسان‌ها را تشویق به دستگیری و کمک به افراد دیگر می‌کردند. با توجه به گسترش و روزافزون بحران‌های طبیعی در ایران و در دنیا و کمبود نیروی مادی و مالی هر کشوری برای خود و کمک‌رسانی به کشورهای دیگر، گروه‌هایی از دسته‌های بشردوستانه و داوطلبانه دارد که در زمان بحران به کمک هم نوع خود در داخل کشور یا در خارج از کشور می‌پردازد (قلی‌پور، ۱۳۹۰).

در عصر حاضر، منشأ و تکامل اصول موجود اقدامات بشردوستانه ذاتاً به جنبش صلیب‌سرخ و هلال‌احمر مرتبط است (گیبائز^۳، ۲۰۲۰: ۵۰۲). هم‌چنین صلیب‌سرخ «انسانیت» را به‌عنوان اصل اساسی پذیرفته و معتقد است که هدف اصلی اقدامات بشردوستانه می‌باشد و درد و رنج انسان‌ها باید در هرکجا که یافت می‌شود، رفع گردد. هدف از اقدامات بشردوستانه، محافظت از زندگی و سلامتی و اطمینان از احترام به انسان‌هاست (گیبائز، ۲۰۲۰: ۵۰۴). حوادثی که منجر به تهدید شرایط برای امنیت، سلامتی و رفاه فرد یا جامعه می‌شوند، به‌عنوان بحران انسانی شناخته می‌شوند. چنین رویدادهایی بر توانایی جامعه در کنار آمدن با آسیب‌های فیزیکی، زیست‌محیطی یا اقتصادی که به دلیل این حوادث به وجود می‌آیند، تأثیر می‌گذارد (راشید^۴، ۲۰۱۹: ۳۱۸). اصطلاح سازمان‌های غیردولتی یا NGOS در سال ۱۹۴۵ م. به وجود آمده است؛ زیرا برای طرح‌های مختلف بین حقوق مشترک دولت داخلی، مؤسسات تخصصی و سازمان‌های بین‌المللی خصوصی نیاز بود. گزارشی که تا سال ۲۰۰۳ م. وجود داشت بیش از ۲۰،۰۰۰ NGO فعال در ایران موجود بود. اکثریت این سازمان‌ها مؤسسات خیریه بودند؛ و بنابراین مشمول گروه NGOهای توسعه‌گرا نبودند (بالوئی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۳). در جوامعی که فرهنگ مشارکتی قوی شکل گرفته و مشارکت به هنجار فرهنگی تبدیل شده باشد، مشارکت خودجوش، داوطلبانه و از پایین به بالا شکل می‌گیرد (صفابخش، ۱۳۸۸: ۲). تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۸۰ م. به بعد در برنامه‌های توسعه توجه فزاینده‌ای به رویکرد مشارکتی شده تا جایی که در ادبیات جدید توسعه با توجه به اهمیت نقش مردم در جامعه از مردم به عنوان ثروت واقعی هر جامعه یاد می‌شود و اصطلاح تخصصی «توسعه از پایین به بالا» نیز ناظر به نقش مشارکتی مردم در فرآیند توسعه می‌باشد. «فوکویاما»، سرمایه اجتماعی را توانایی افراد برای همکاری و مشارکت تعریف می‌کند و نظریه‌های سرمایه اجتماعی بر انجمن‌ها و تشکل‌های داوطلبانه تأکید دارند (صفابخش، ۱۳۸۸: ۷). سازمان‌های مردمی هم‌چنین در کاهش این نابرابری‌ها

نقش دارند؛ به عنوان مثال، از طریق بشردوستی این کار را انجام می‌دهند (باپوجی^۵ و همکاران، ۲۰۲۰: ۳). اقدام مشترک گروه‌های مردمی برای دستیابی به منافع مشترک در جامعه با اقدامات جمعی مؤثر صورت می‌پذیرد. عوامل اساسی تعیین‌کننده اقدام جمعی عبارتند از: منافع مشترک، ساختار سازمانی، بسیج گروهی و فرصت عمل (داگو فرانکو^۶ و همکاران، ۲۰۲۰: ۲). یکی از نکات مهمی که راجع به اقدامات انسان دوستانه وجود دارد این است که سازمان‌های درگیر، باید اصل بی‌طرفی را نیز رعایت کنند. بی‌طرفی به موقعیت یاریگر بشردوستانه نسبت به سایر احزاب، اهداکنندگان، جناح‌ها و دولت‌ها مربوط می‌شود تا خطر دخالت را به حداقل برساند. این اصل بیان می‌دارد که کنش‌گران بشردوستانه نباید در جبهه‌های خصومت‌ها جانب بگیرند و یا درگیر مباحثی از نوع سیاسی، نژادی، مذهبی یا ایدئولوژیکی شوند (گیباز، ۲۰۲۰: ۵۰۴). تعداد سمن‌ها در ایران از تعداد ۲۰۰۰ در سال ۱۳۷۶، به حدود ۱۰،۲۵۰ در سال ۱۳۸۴ و به بیش از ۱۷،۰۰۰ در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. در برنامه‌های توسعه کشور نیز مواد ۹۵، ۹۷، ۱۰۴، ۱۴۰ و ۱۶۳ از قانون برنامه چهارم توسعه بر حضور و مشارکت سمن‌ها در برنامه‌های توسعه تأکید کرده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). برابر با اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی، دانشجویی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده، آزادند مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها مجبور ساخت (رضانی‌قوام‌آبادی، ۱۳۹۴: ۵۴۵). یکی از آن‌ها تشکل‌های دانشجویی است؛ این تشکل‌ها گروه‌هایی هستند که در درون دو کلیت با نظام اجتماعی قرار دارند: ۱- نهاد دانشگاه، ۲- اجتماع ملی (نظام اجتماعی). بنابراین گروه‌های دانشجویی دارای دو سطح کارکرد در سطوح نظام‌های اجتماعی می‌باشند؛ اول، سطح دانشگاه، و بعد از آن در سطح جامعه. بنابراین تشکل‌های دانشجویی از یک طرف می‌توانند دارای کارکردهایی در درون نهاد دانشگاه و مربوط به آن باشند؛ و از طرف دیگر، به کل نظام اجتماعی و خُرده سیستم‌های داخل آن مرتبط گردند (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۱۰)، و می‌تواند اقداماتی را در این راستا انجام دهند. مدیریت بحران از دیدگاه پزشکان و دانشگاهیان همیشه یک موضوع مهم بوده است. بحران‌ها در دنیای مدرن رایج هستند و سیستم ارزشی رهبران نقشی اساسی در مدیریت مؤثر آن‌ها دارد (پیلای^۷ و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۶). در بستر اجتماعی و فرهنگی ما، یاری‌گری و مساعدت، بخش اعظمی از زیرساخت‌های ارزشی نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد. این موضوع در بحران‌های اخیر سیل و زلزله در استان‌های کرمانشاه، لرستان، خوزستان و گلستان، به خوبی خود را نشان داده است. یکی از گروه‌های فعال در این

یاریگری‌ها، گروه‌های دانشجویی فعال در این زمینه هستند. گروه‌های دانشجویی به صورت خلاقانه و با اهداف انسان‌دوستانه، تلاش کرده‌اند در این یاریگری‌ها مؤثر ظاهر شوند. این موضوع در بحران کرونا نیز به صورت برجسته‌ای نشان داده شد. گروه‌های مختلف از تشکل‌های دانشجویی به اشکال مختلف در این بحران اقدامات انسان‌دوستانه و یاری‌گری را انجام دادند و هنوز هم ادامه دارد. یکی از موضوعات مهم این است که اقدامات یاورانه در بحران‌ها چگونه تقویت شوند. پاسخ به چنین پرسش از جوانب مختلف می‌تواند انجام گیرد؛ اما یکی از روش‌ها، مطالعه از منظر کسانی است که در بحران‌ها مشارکت داشته‌اند. براین اساس، هدف پژوهش حاضر، کشف و شناسایی اقدامات لازم در عرصه سیاست برای مشارکت بیشتر شهروندان و گروه‌های دانشجویی در بحران‌ها می‌باشد.

۲. مرور چارچوب‌های مفهومی و مطالعات

«پیترز»^۱ (۱۹۹۷) دیدگاه اقدامات انسان‌دوستانه و شکل‌گیری مفاهیم جدیدی در روابط درون کشورها و بین کشورها را مورد بحث قرار داده است. از نظر وی اقدامات انسان‌دوستانه در جنگ‌ها و بلایا، رویکرد آتی روابط سیاسی در سطح بین‌الملل را تغییر خواهد داد. وی اقتدارگرایی سیاسی را به عنوان مانعی در مقابل کنش‌های انسان‌دوستانه معرفی کرده است و این پیش‌فرض را مطرح می‌کند که ما بایستی یکی از این گزینه را انتخاب کنیم. نتیجه‌گیری نهایی این است که مداخلات بشردوستانه نیازمند توسعه فرآیندهای دموکراتیزه در سراسر جهان است و این موضوع بحث مهم آینده سیاسی دنیا را تشکیل می‌دهد. چیزی که در انتخاب بین دو گزینه اخلاق از یک سو، و قواعد سیاسی از سوی دیگر، قرار خواهد گرفت.

این نوع مشارکت که رویکرد مدیریت بلایای اجتماع‌محور (CBDM) نامیده می‌شوند از پایین به بالا است و در انتقاد به رهیافت از بالا به پایین بنیان نهاده شد. برای مؤثر و کارا بودن رهیافت‌های مدیریت بلایا، ضرورت دارد اجتماع‌های محلی به منظور تجزیه و تحلیل شرایط خطرناک، ظرفیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها را از نظر خودشان مورد حمایت قرار دهند؛ از این رو، از طریق (CBDM) تلاش می‌شود تا ظرفیت افراد برای واکنش به وقایع غیرمترقبه (از طریق تسهیل دسترسی آن‌ها به منابع و خدمات اجتماعی) افزایش یابد. متخصصان بر این باور هستند که با استفاده از رویکرد اجتماع‌محور برای مدیریت یکپارچه بلایا، این امید وجود دارد که اجتماع‌ها توانمندتر گردند و قادر شوند برنامه‌های توسعه را شامل برنامه‌های کاهش بلایا و آمادگی در برابر بلایا به انجام برسانند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۹).

هم چنین نظریه «سندمیک» (Syndemic) یکی از روش‌های مفهوم‌سازی روابط و طراحی مداخلات برای پاسخ‌گویی به مشکلات را فراهم می‌کند. هنگام بررسی چگونگی پاسخ به بی‌عدالتی مزمن اجتماعی، این نظریه، پرسش‌هایی را درباره دامنه بی‌طرفی ایجاد می‌کند. حفظ بی‌طرفی در درگیری‌ها و تمرکز بر تهیه کارآمد کالاها و خدمات اساسی برای نجات جان انسان‌ها، تاکتیکی عملیاتی برای سازمان‌های بشردوستانه غیردولتی برای حفظ دسترسی آن‌ها به جمعیت نیازمند بوده است. با این حال، در عمل، یا در راه عملیات‌های امدادی ضروری با ریشه‌های سیاسی، وضعیت‌های اضطراری پیچیده و مشارکت ضروری آن‌ها با گروه‌های کمک‌رسانی محلی، ادارات دولتی، سیاستمداران و طرفداران این اصل بی‌طرفی هم نادیده گرفته می‌شود. یک راه پیش‌برد تقسیم‌کار امدادی، حقوق بشر و اقدامات سیاسی ممکن است استفاده از مدل‌های نظری باشد که می‌تواند هم برای چند بیماری و هم برای رفع مشکلات ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که عوامل خطر و سلامت را شکل می‌دهند، راه‌گشا باشد. استفاده از نظریه سندمیک در موارد اضطراری بشردوستانه، می‌تواند باعث تفکر مجدد و گسترش اهداف، مکانیسم‌ها و تمرکز بر واکنش‌های اضطراری شود (کوهرت و کاروس، ۲۰۲۰: ۱۰).

براساس نظر «ترنر»^۹ (۱۹۸۷) دست‌کم سه سطح از انگاره‌های ذهنی خویشتن (براساس میزان اهمیت) وجود دارد. بالاترین سطح، شامل یک انسان با ویژگی‌های مشترک است؛ که این ویژگی‌ها را با سایر هم‌نوعانش به اشتراک گذاشته است. سطح میانی سازمان‌دهی درون‌گروهی و برون‌گروهی است که یک فرد را به عنوان عضو یک گروه خاص اجتماعی و نه گروه‌های دیگر تعریف می‌کند؛ و نازل‌ترین سطح، شامل سازمان‌دهی فرد به عنوان یک فرد خاص. براساس نظر وی آگاهی از انگاره‌های ذهنی زمینه‌ای، به پیش‌بینی و تشخیص اقدام مناسب برای دستیابی به هدف و راهبردهای حل مسأله کمک می‌کند (عاملی و حجاری، ۱۳۹۷: ۱۰۹). همانند بسیاری از جنبش‌های اجتماعی، جنبش‌های دانشجویی اساساً پدیده خاص جوامع امروزی و به معنای کوشش جمعی کمتر سازمان‌یافته دانشجویان به منظور پیش‌برد نوعی دگرگونی و تغییر در جامعه یا تداوم وضعیت خاصی هستند. جنبش دانشجویی از مجموع دانشجویانی که به نحوی در راستای تغییر یا تداوم وضع موجود در جامعه، اعتراض، انتقاد، یا حمایتی می‌کنند، شکل می‌گیرد (عاملی و حجاری، ۱۳۹۷: ۱۱۰). نگارندگان، در مورد منابع مطالعات در مورد اقدامات بشردوستانه در بحران کرونا را نتوانستند بیابند؛ اما در سایر بحران‌های مطالعاتی انجام شده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. با وجود این، مطالعاتی که تا حدودی به اهداف مطالعه حاضر نزدیک است در این بخش معرفی می‌شوند.

«طیب‌نیا» و «اصفهان‌ی» (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های داوطلبانه خیرخواهانه» نشان داد که عواملی هم‌چون: عواطف، خانواده، تربیت، آموزش، سن، سواد، حقوق اقتصادی زن مسلمان، و فاکتورهای مذهبی بر این فعالیت‌ها مؤثر است. «سردارنیا» و «یوسفی» (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «سنجش رابطه اعتماد و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی، دانشجویان دانشگاه شیراز» نشان دادند دانشجویانی که سطح و میزان سرمایه اجتماعی آنان بالاتر باشد به مراتب بیشتر از دیگران به فرهنگ سیاسی مدنی و دموکراتیک گرایش پیدا می‌کنند و از فرهنگ سیاسی سنتی فاصله می‌گیرند. «داوری» و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهش خود نشان دادند که بین میزان مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه با میزان استفاده از روش جلب مشارکت رابطه معنی‌داری وجود دارد. «صفابخش» (۱۳۸۸) در پژوهش خود نشان داد که میزان تمایل به مشارکت در فعالیت‌های امدادسانی با سن، جنس، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده، تنوع الگوهای جذب، پاداش حاصل از مشارکت، رضایت از عضویت، حصول اطمینان نسبت به نتایج و پاداش حاصل از مشارکت، احساس عدم کارآیی عضو، افزایش میزان آگاهی و اطلاعات عمومی نسبت به فرهنگ ایمنی و آمادگی، اعتقاد به آسیب‌پذیری کشور در مقابل سوانح، افزایش میزان آگاهی از اهداف سازمان و اطلاع‌رسانی مناسب درخصوص لزوم مشارکت رابطه معنی‌داری داشت. «داگو فرانکو» و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «نقشه‌برداری از اقدام جمعی با همه‌گیر شدن COVID19 در شهرک‌های غیررسمی در شهرهای آمریکای لاتین» نشان داد که در آمریکای لاتین، سازمان‌های جامعه مدنی مجموعه‌ای از اقدامات جمعی را ایجاد کرده‌اند و تلاش می‌کنند واکنش‌های فوری و میان‌مدت را نسبت به موارد اضطراری ارائه دهند. مجموعه پاسخ جامعه مدنی از نظر شکل و منابع متنوع است، اما از نظر دامنه محدود است. در همین حال، فوریت شرایط و عدم تطابق با اقدام دولت به این معنی است که بخش‌های مهم غیررسمی، نادیده گرفته می‌شوند. «درمورا»^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «یک پیشنهاد چارچوب برای ادغام اقدامات لجستیکی بشردوستانه، مدیریت فاجعه و کمک متقابل در برابر فاجعه: مورد برزیل» نشان دادند که تاکتیک‌های آمادگی و پاسخ تدارکات، با کمک متقابل در برابر فاجعه، می‌توانند نتایج سریع‌تر و مؤثرتری را در مقایسه با روش‌های معمول امنیت از شرکت‌ها و هم‌چنین اطمینان از همکاری متقابل بین شرکت‌ها، تضمین کنند. «هندرسکا» و «بورسماب»^{۱۱} (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «بازگرداندن دولت برای پاسخ به بحران‌های بشردوستانه: مدیریت بحران و همکاری‌های چالش‌برانگیز در پاسخ به

سیل مالوی ۲۰۱۵» نتیجه گرفتند که تمرکز بر بومی‌سازی کمک‌ها بدون توجه صریح به مؤسسات ایالتی تحت تأثیر، در زمینه‌هایی که با ظرفیت محدود دولت و وابستگی کلی اهداکنندگان مشخص می‌شود، همراه با مشکل بوده است. «هاف میستر» و «ناوارو» (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «یک رویکرد روانی-اجتماعی در اقدامات پزشکی قانونی بشردوستانه آمریکای لاتین» نشان دادند که تعامل هماهنگ بین زمینه‌های پزشکی قانونی و روانی اجتماعی هر دو را به نفع خانواده‌ها، گروه‌ها و جوامع آسیب‌دیده تقویت می‌کند. «زیسمن»^{۱۲} و همکاران (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان «توسعه و استفاده از یک ابزار ارزیابی جامع بشردوستانه در هائیتی پس از زلزله» انجام دادند که نشان داد در بسیاری از موارد، ساکنان اردوگاه‌های تحت مدیریت رسمی دسترسی بهتری نسبت به ساکنان اردوگاه‌های کنترل نشده به منابع بشردوستانه داشته‌اند و این نشان می‌دهد که باید در فاجعه‌های عظیم آینده برای تعیین مدیران رسمی به تمام اردوگاه‌ها تلاش شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر در سال ۱۳۹۹ در شهر یزد انجام شد. روش تحقیق حاضر جزو پارادایم کیفی تحقیق است. در پارادایم کیفی، کشف و واکاوی معانی و ادراک مشارکت‌کنندگان مورد توجه قرار می‌گیرد. این رویکردها انسان را موجودی خلاق و سازنده معرفی می‌کنند که به صورت مرتب ساخت‌وساز اجتماعی انجام می‌دهد. این ساخت‌وسازهای مبتنی بر درک، تفسیر و یا تجارب اندوخته شده پیشین کنش‌گر انجام می‌گیرد. در این زمینه ارزش‌ها و مفاهیم بنیادی تعیین‌کننده رفتارهای سازنده‌گرایانه کنش‌گر می‌باشند؛ لذا، عاملیت بیشتر از آن که تحت تسلط محیط باشد، قابلیت ساخت‌وساز اجتماعی دارد و بر محیط تأثیر گذاشته و حتی محیط را تغییر می‌دهد.

مطالعه حاضر، یک پژوهش کیفی است. در این مطالعه، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده خواهد شد.

پارادایم تحقیق حاضر، به شرح ذیل است.

- ازلحاظ هستی‌شناسی: واقعیت در این پژوهش از طریق مصاحبه با خبرگان و توزیع پرسش‌نامه در بین آن‌ها و تحلیل اطلاعات به دست آمد.

- ازلحاظ معرفت‌شناسی: نگارندگان، اطلاعات را از طریق مصاحبه و تعامل با افراد به دست آورده‌اند.

- ازلحاظ ارزش‌شناسی: در این پژوهش ملاحظات اخلاقی از جمله حفظ محرمانگی نام افراد، ارائه گزارش نهایی به متخصصین، اجازه جهت ضبط مصاحبه با افراد، رعایت شده است.

- از لحاظ روش‌شناسی: نگارندگان، جهت به دست آوردن اطلاعات و دستیابی به اهداف مطالعه، از روش تحقیق کیفی بهره برده‌اند.

۴. میدان پژوهش

میدان پژوهش حاضر، دانشگاه‌های شهر یزد و به‌طور مشخص؛ دانشگاه یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دانشگاه فرهنگیان یزد را دربر دارد. مشارکت‌کنندگان در تحقیق، دانشجویان و رؤسای تشکل‌های دانشجویی این دانشگاه‌ها هستند. گروه‌های دانشجویی فعال در بحران کرونا در شهر یزد می‌باشد. هم‌چون بسیاری از دانشگاه‌های دیگر، گروه‌های دانشجویی فعال در دانشگاه را می‌توان به ۵ دسته ذیل تقسیم کرد.

- تشکل‌های دانشجویی شامل: بسیج، انجمن‌های اسلامی و... که بیشتر فعالیت‌های سیاسی دارند، اما در موارد بحران‌ها، اقدامات انسان‌دوستانه نیز انجام می‌دهند.

- کانون‌های فرهنگی هنری که مهم‌ترین آن در بحران‌ها و به‌طور خاص بحران کرونا، کانون هلال احمر دانشگاه می‌باشد.

- انجمن‌های علمی که در موضوع کرونا انجمن‌های علمی مددکاری اجتماعی و روان‌شناسی فعالیت بیشتری داشتند.

- شورای صنفی دانشجویی.

- و نشریات دانشجویی.

۵. مشارکت‌کنندگان در پژوهش

به‌علت اهمیت نیروهای ستادی، نیروهای ستادی در بحران به‌صورت هدفمند انتخاب می‌شوند. در فاز بعدی به‌صورت گلوله برفی سایر نیروهای ستادی و نیروهای صف در بحران شناسایی شدند. نمونه‌گیری با روش حداکثر تنوع انجام شد، به‌صورتی‌که از گروه‌های مختلف دانشجویی که پیش‌تر ذکر شده در مطالعه حضور داشته باشند و دوم این‌که از رشته‌های مختلف علمی و نیز از هر دو جنس در مطالعه حضور داشته باشند. معیارهای ورود به مطالعه عبارتند از:

- مشارکت‌کننده عضو، یکی از گروه‌های دانشجویی فعال باشد.

- مشارکت‌کننده در طول بحران کرونا از اسفند ۱۳۹۸ تاکنون (زمان مطالعه، اواخر شهریور ۱۳۹۹) حداقل دو ماه مشارکت فعال در بحران داشته باشد. معیار مشارکت فعال نیز انجام فعالیت در بحران کرونا، چه در صف و چه در ستادهای دانشجویی. مشارکت فعال می‌تواند به‌عنوان تیم‌های ارزیاب، هماهنگ‌کننده و یا مداخله فعال در بحران کرونا می‌باشد.

۶. شیوه انتخاب مشارکت‌کنندگان

به علت اهمیت نیروهای ستادی، نیروهای ستادی در بحران به صورت هدفمند انتخاب شدند. در فاز بعدی به صورت گلوله برفی سایر نیروهای ستادی و نیروهای صف در بحران شناسایی شدند. نمونه‌گیری با روش حداکثر تنوع انجام شد به صورتی که از گروه‌های مختلف دانشجویی که پیش‌تر ذکر شده در مطالعه حضور داشته باشند و دوم این‌که از رشته‌های مختلف علمی و نیز از هر دو جنس در مطالعه حضور داشته باشند. با ۲۷ نفر مصاحبه انجام شد که ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در جدول ۱، آمده است.

۷. روش گردآوری داده‌ها

با توجه به شرایط همه‌گیری کرونا، شیوه جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعه مصاحبه نیمه ساختاریافته تلفنی است. مصاحبه تلفنی، یکی از روش‌های جمع‌آوری داده‌هاست که در یک دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به شرایط مصاحبه به صورت تلفنی با بیماران انجام خواهد شد. «بلر» و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیق خود در مورد این روش جمع‌آوری داده‌های کیفی نشان دادند که با وجود شک دانشگاهی نسبت به این روش اما می‌تواند روشی کارآمد و سهل‌الوصول در جمع‌آوری داده‌های کیفی باشد. به نظر آن‌ها از آنجایی که محدودیت مصاحبه حضوری وجود دارد، مصاحبه تلفنی انجام می‌شود. این روش پیش از این در بسیاری از مطالعات مورد استفاده قرار گرفته است و با وجود این‌که محدودیت‌هایی دارد، اما از نظر جمع‌آوری داده‌ها تفاوت چندانی با مصاحبه حضوری ندارد، به جز در مصاحبه‌هایی که با زنانی که مشکلات زناشویی دارند، تفاوت دیده شده است (بلر و همکاران، ۲۰۱۷). این شکل از مصاحبه نسبت به مصاحبه چهره به چهره جذابیت کمتری دارد (نویک، ۲۰۰۸)، با وجود این در سال‌های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته است؛ به طور مثال، در مراقبت‌های پرستاری (میشل و کابویر، ۲۰۱۰) و حتی «لچوگا» نیز در مطالعات فرهنگی که نیازمند درک عمیق‌تری می‌باشد مورد استفاده قرار داده است (لچوگا، ۲۰۱۲). «وارد» و همکاران بر این تأکید دارند که از این روش می‌توان در نظریه زمینه‌ای نیز استفاده کرد (وارد و همکاران، ۲۰۱۵). در شرایط کوئید ۱۹ و به علت خطر واگیر و انتقال ویروس و نیز دسترسی سخت به نمونه مشارکت‌کنندگان این روش مورد با اقبال بیشتری از سوی مشارکت‌کنندگان واقع شده است؛ به طور مثال، «سریواستاوا» در تحقیق خود راجع به تجربه «استیگما» در همه‌گیری کوئید ۱۹ در ایالات متحده از روش مصاحبه تلفنی استفاده کرده است (سریواستاوا، ۲۰۲۰). در این تحقیق نیز از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته تلفنی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. لازم به ذکر است که مصاحبه‌کنندگان تجربه نسبتاً موفقی از این روش جمع‌آوری

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره مشارکت‌کننده (در تحقیق)	نام (استعاری)	نقش
۱	اقای محمدی	مسئول گروه جهادی
۲	اقای جعفری	مسئول گروه
۳	خانم حسینی	مسئول گروه
۴	اقای جعفرپور	رئیس تشکل
۵	اقای رضایی	رئیس تشکل
۶	خانم کریمی	رئیس کانون
۷	اقای ذاکری	رئیس تشکل
۸	خانم رحیمی	دبیر کانون
۹	اقای میرزایی	فعال دانشجویی صف
۱۰	اقای طاهری	فعال دانشجویی صف
۱۱	اقای آرایش	فعال دانشجویی صف
۱۲	اقای میرمحمدی	دبیر مجمع تشکل
۱۳	اقای سیدی	فعال دانشجویی صف
۱۴	اقای نجفی	فعال دانشجویی صف
۱۵	اقای تاجی	فعال دانشجویی صف
۱۶	خانم محبی	فعال ستاد-صف
۱۷	آقای حمیدی	فعال صف
۱۸	آقای ساداتی	فعال صف
۱۹	آقای حیدری	فعال صف
۲۰	آقای شفقت	فعال صف
۲۱	آقای شهبازی	فعال صف
۲۲	آقای غلامی	فعال صف
۲۳	آقای سها	فعال صف
۲۴	خانم محمدی	فعال صف
۲۵	آقای شهیدی	فعال صف
۲۶	آقای تاران	فعال صف
۲۷	آقای صلابت	فعال صف

داده‌ها داشتند. پرسش اساسی در مصاحبه‌ها این بود که «با توجه به درک و تجربه خود از اقدامات انسان دوستانه، برای ما بفرمایید که چه اقداماتی می‌تواند به توسعه و ارتقای کمک‌های انسان دوستانه کمک کند».

۸. فنون تحلیل اطلاعات و ابزار اندازه‌گیری (در صورت لزوم)

داده‌ها به روش تحلیل چارچوب (Framework Method) مورد تحلیل قرار گرفت؛ اگرچه روش‌های چندمرحله‌ای مختلفی از این رویکرد ارائه شده است، اما در پژوهش حاضر روش ۵ مرحله‌ای تحلیل چارچوب برای تحلیل داده‌ها استفاده خواهد شد که مشتمل بر مراحل ذیل می‌باشد (سیرواستاوا و تامسون، ۲۰۰۹). نوشتن مصاحبه‌ها (Transcription).

۱. آشناسازی: به مرحله‌ای که پژوهشگران با خوانش چندباره‌ای داده‌ها تلاش می‌کنند به چارچوبی کلی از واقعیت دست پیدا کنند.

۲. کدگذاری: محققان در این مرحله خطبه‌خط داده‌ها را کدگذاری می‌کنند. شکل‌گیری چارچوب مضمونی.

۳. نمایه‌سازی: در این مرحله با توجه به پرسش‌های پژوهش و کدهای به‌دست‌آمده، یک چارچوب تحلیلی در رابطه با مسأله پژوهش ارائه می‌گردد.

۴. جدول‌بندی: در این مرحله کدها و خُرده مقولات هر بخش در جداول گذاشته می‌شود.

۵. نقشه مضمونی و تفسیر.

۹. اعتبار و پایایی پژوهش

«لینکلن» و «گوبا»^{۱۳} (۱۹۹۴) و نیز «استرابت» و «کارپنتر» (۱۹۹۹)، برای اطمینان از صحت و دقت^{۱۴} داده‌های جمع‌آوری شده، چهار معیار را شامل اعتبارپذیری (مقبولیت)^{۱۵}، اعتمادپذیری (همسانی)^{۱۶}، تأییدپذیری (تعیین)^{۱۷} و انتقال‌پذیری^{۱۸} پیشنهاد داده‌اند (پولایت و بک، ۲۰۱۴) که در این پژوهش نیز از این معیارها استفاده شد. منظور از اعتمادپذیری (قابلیت اعتماد یا همسانی)، ثبات و پایایی داده‌ها در طول زمان و شرایط مشابه است، که از طریق تلفیق روش‌ها (مصاحبه، مشاهده و یادداشت در عرصه) و نظارت و بازنگری خارجی صورت می‌گیرد (کرسول و پوت، ۲۰۱۷). در این تحقیق، دو محقق، داده‌ها را تحلیل کردند و میزان اختلاف و موافقت بر مقولات استخراج شده و چارچوب احصاء شده مورد ارزیابی قرار گرفت. هم‌چنین از روش تأیید مشارکت‌کننده نیز استفاده شد.

۱۰. اخلاق پژوهش

رعایت اصل گمنامی مشارکت‌کنندگان در تحقیق، صداقت در مسیر پژوهش و ارائه نتایج از مهم‌ترین مؤلفه‌های پژوهش حاضر می‌باشد که مورد توجه محققان بوده است.

۱۱. یافته‌های پژوهش

جدول ۲، مفاهیم و مقولات استخراج‌شده در رابطه با این پژوهش را نشان می‌دهد. مهم‌ترین مقولات عبارتند از: مدارای سیاسی، مدارای اجتماعی، انصاف رسانه‌ای، فرهنگ گفت‌وگو، فرهنگ نوع‌دوستی، مسئولیت‌پذیری همگانی، توجه و هم‌فکری مسئولین، حمایت، اعتماد غیرسیاست‌زده، نهادسازی بحران دانشجویی، انتخابی بودن اعضا، نیازهای علمی گروه‌های علمی، انتظام‌سازی بحران دانشجویی، لغو نظام انتسابی در واگذاری سمت‌ها در تشکل‌ها، نادیده گرفتن تفاوت‌های اجتماعی در تعاملات، گسترش همکاری سازنده دانشگاه با انجمن‌ها، توسعه فعالیت‌های گروهی در انجمن‌ها، توجیه و آگاهی‌سازی به اعضا

۱-۱۱. بی‌طرفی

با توجه به داده‌های استخراج‌شده از نظرات مشارکت‌کنندگان، نخستین مضمون احصا شده بی‌طرفی سیاست‌گذاران بحران است. مقصود از بی‌طرفی، توجه نیروهای سازمانی

جدول ۲. مضامین اکتشاف شده در مطالعه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

مضامین اصلی	مقولات	کدهای اولیه
بی‌طرفی	توجه و همفکری مسئولین، حمایت، اعتماد غیرسیاست‌زده	برگزاری جلسات متوالی با مسئولین، همفکری با سازمان‌ها در مواقع بحران، ایجاد همدلی و آشنایی بین تشکل‌ها و مسئولین، استفاده از فرصت گروه‌های دانشجویی، حمایت مالی از تشکل‌ها و انجمن‌ها، انگیزه و بها دادن به تشکل‌ها، اعتماد سیاست‌گذاران به نیروی جوان، ایجاد اعتمادسازی بین انجمن‌ها و سازمان‌ها، اعتماد غیرسیاست‌زده
نهادسازی انتخابی-علمی	نهادسازی بحران دانشجویی، انتخابی بودن اعضا، نیازهای علمی گروه‌ها	تشکیل ستاد بحران دانشجویی، مدیریت برنامه‌های تشکل، تعریف نقش و کارکرد گروه‌های دانشجویی، لغو نظام انتسابی در واگذاری سمت‌ها در تشکل‌ها، نادیده گرفتن تفاوت‌های اجتماعی در تعاملات، گسترش همکاری سازنده دانشگاه با انجمن‌ها، توسعه فعالیت‌های گروهی در انجمن‌ها، توجیه و آگاهی‌سازی به اعضا
گفت‌وگو و مدارا	مدارای سیاسی مدارای اجتماعی انصاف رسانه‌ای فرهنگ گفتگو	ایجاد همگرایی طیف‌های دانشجویی و سیاسی، استفاده از ظرفیت تشکل‌های دارای موضع سیاسی متفاوت، حذف سوگیری سیاسی، حذف رقابت‌های ناسالم و چشم‌پوشی در گروه‌ها، پذیرش جناح‌های سیاسی مختلف در مجموعه، خودداری از انگ سیاسی زدن به گروه‌ها، ایجاد فرهنگ مفاهمه و گفت‌وگو، حل بحران موجود با همکاری و خلاقیت، انتقال تجربیات با گفت‌وگو برای حل بحران
جامعه‌پذیری نوع‌دوستی و مسئولیت	فرهنگ نوع‌دوستی، مسئولیت‌پذیری همگانی	توجه به فرهنگ جهادی، رشد روحی و معنوی اعضا، غریبالگری افراد شایسته در زمان ورود به گروه، مسئولیت و وظیفه‌همگانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی اساتید، آموزش دادن به مردم توسط نهادها، درگیرسازی همه‌آحاد مردم در بحران، مسئولیت آموزش به مردم، مسئولیت طبقات بالا، اشتغال‌زایی توسط طبقات بالای اجتماع، توانمندسازی طبقات پایین

و نهادی به موضوع اقدامات انسان دوستانه دانشجویان در بحران، بدون نگاه به جناح یا قطب‌بندی‌های سیاسی آن‌هاست. هم‌چنین دوری کردن این گروه‌ها به خصوص تشکل‌های سیاسی قدرتمند مثل بسیج دانشجویی و انجمن‌های اسلامی از رویکردهای سیاسی در بحران است؛ چراکه این رویکردها باعث فرسایش نیروها شده، موازی‌کاری ایجاد می‌کند و برخوردهای این‌گونه درنهایت سرکوب و بی‌انگیزگی را در بین نیروهای فعال دانشجویی در بحران‌ها به همراه دارد؛ لذا، اگر در بحران، مسأله طیف یا گروه سیاسی باشد، اهداف کنش‌گری یاری‌گرانه و انسان‌دوستانه به حاشیه خواهند رفت. توجه هرچه بیشتر مسئولین به توان و ظرفیت نیروهای دانشجویی، حمایت مالی و سازمانی از این گروه‌ها و درنهایت اعتماد مهم‌ترین مقولات بی‌طرفی می‌باشد. مضمون بی‌طرفی سه مقوله توجه و هم‌فکری مسئولین، حمایت و اعتماد غیرسیاست‌زده را شامل می‌شد.

اولین مقوله اشاره به توجه بیشتر مسئولین و استانی و سازمان‌ها به ظرفیت جوان و قدرتمند گروه‌های دانشجویی در بحران‌هاست. ضروری است که بین گروه‌های دانشجویی و مسئولین، جلسات متوالی برای چاره‌اندیشی در رفع مشکلات برگزار گردد و همین‌طور این تشکل‌ها از طرف سازمان‌های مربوطه جدی گرفته شوند. درواقع، سیاست‌گذاران جامعه باید برای حل مشکلات پیش‌رو، به نیروی جوان اعتماد داشته باشند و برای انجام وظایف و مسئولیت‌هایشان به آنان انگیزه بدهند. هم‌چنین این انجمن‌ها و تشکل‌ها نیز متقابلاً باید با سازمان‌های ذی‌ربط در حل مشکلات هم‌فکری کنند. درواقع، فضای ایجادشده باید به‌گونه‌ای باشد که نوعی هم‌دلی بین تشکل‌ها و مسئولین ایجاد گردد و برای پیش‌برد کارهای انجمن به آنان حمایت مالی داده شود و از این فرصت‌های دانشجویی به‌نحو احسن استفاده گردد نه این‌که طرد اتفاق بیفتد؛ زیرا این رابطه دوسوگرایانه به حل سریع‌تر بحران کمک می‌کند.

«یکی این‌که هم‌دلی و آشنایی اتفاق بیفته نه این‌که مواقع بحرانی که شد جلسات برگزار بشه و افراد تشکل و مسئولین از هم شناختی نداشته باشند. جووری باشه که در کل سال جلساتی رو باهم داشته باشند؛ و با هم‌فکری هم مشکلات رو حل کنند.»

درنهایت این‌که از نظر اعضای گروه‌های دانشجویی، یکی از مهم‌ترین مسائل اعتماد سیاست‌گذاران، به نیروی جوان می‌باشد؛ زیرا این افراد، فعال و پویا می‌باشند اعتمادی که سیاست‌زده نباشد و به ظرفیت نیروهای جوان از هر طیف و گرایشی بها دهند. هم‌چنین در این راه انگیزه و تجربیاتی را کسب کرده‌اند که برای حل مشکلات جامعه می‌تواند راه‌گشا باشد؛ درواقع، علاوه بر این اعتمادسازی بین انجمن‌ها و سازمان‌ها نیز

می‌تواند مسأله مهم دیگری باشد که قابل تأمل است و این ایجاد ستاد بحران به این اعتمادسازی‌ها کمک می‌کند، البته گاهی اوقات به خاطر بهره‌برداری‌های سیاسی، بین انجمن‌ها اعتماد شکل نمی‌گیرد؛ زیرا آنان برای هم‌فکری به یک نوع اعتماد غیرسیاست‌زده احتیاج دارند. درواقع، سیاست‌گذاری‌هایی که فارغ از سیاست‌زدگی باشند به حل بحران کمک می‌کنند.

«برای سیاست‌گذاران و سیاست‌مداران این پیشنهاد رو دارم که اگر به من جوان یا فعال اعتماد کنند خیلی بهتر هست و من که چندینبار تجربه داشتم درد جامعه‌رو می‌دونم و اگر بهم اعتماد بشه کارها سریع‌تر راه‌یافته و مشکلات بهتر حل می‌شه.»

۱۱-۲. نهادسازی انتخابی-علمی

اقدامات یاورانه در بحران، به سیل‌های ۱۳۹۸ برمی‌گردد که یک‌سری از گروه‌های دانشجویی به مناطق سیل‌زده اعزام شدند. تجربه آن‌ها در آن بحران مبتنی بر آزمون و خطا بود، اگرچه درنهایت کمک زیادی به بحران کردند. باوجود این یکی از مشکلات تشکل‌های دانشجویی و سایر گروه‌های دانشجویی در بحران این است که در این زمینه دانش لازم را ندارند و نیز به صورت تشکیلات منسجم تعریف نشده‌اند. به همین جهت است که عموم این دانشجویان، براساس خلاقیت وارد میدان بحران می‌شوند و چنین خلاقیتی هم به از دست رفتن نیرو و انرژی می‌انجامد و چه بسا که گاهی ممکن است آسیب‌زا هم باشد؛ چراکه این افراد به صورت کاملاً چشم‌بسته وارد میدان می‌شوند.

«حتی یک‌سری مشکلات به خاطر اینه که ما محوریت کاررو برای بچه‌ها توضیح ندادیم و بچه‌ها نمی‌دانند دقیقاً با چه هدفی دارند کار می‌کنند و این ریشه‌ای نشده که براشون تفسیر و توضیح بدیم و حتی خود من مثلاً درست نتوانسته‌ام بچه‌هایی رو که عضو میشن رو درست توجیه کنم.»

اقدامات یاورانه در بحران، نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت خاص خود است. اقدامات در بحران، با اقدامات در شرایط عادی بسیار متفاوت است. یکی از مشکلات گروه‌های دانشجویی، مداخله براساس آزمون و خطا در بعضی از موارد است. برای جلوگیری از موازی‌کاری و نیز افزایش هم‌افزایی، نیروهای آن‌ها بایستی سازمان‌یافته باشند و به صورت تشکیلاتی عمل کنند. تشکیلات در بحران نیز نیازمند علم و دانش و هم‌فکری است؛ لذا، اقدامات در بحران، نهاد و تشکیلات خاص خود را دارد.

از آنجایی که سپهر سیاست همچنان بر فضای دانشجویی غالب است، در بحران نوعی واگرایی بین گروه‌های قدرتمند دانشجویی وجود دارد؛ اگرچه بعضی از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند در بحران کرونا این موضوع تا حدی حل شده است. علاوه بر این، برخی مشارکت‌کنندگان اشاره می‌کردند که تشکیلات محدود به تشکیلات در سطح دانشجویی نیست. یک ستاد بحران کشوری و استانی هم لازم است. تا این چندجانبه‌نگری‌ها به حل سریع‌تر مشکل کمک کند؛ بنابراین، یکی از نیازهای اصیل گروه‌های دانشجویی، داشتن پروتکل مواجهه با بحران و تشکیلات مرتبط است. تشکیلاتی که به‌دوراز رقابت‌های سیاسی، در بحران‌ها متمرکز بر اهداف اصلی حل مسأله باشد.

«من پیشنهاد دادم به استانداری که ما ستاد بحران دانشجویی داشته باشیم و فقط نه در بحث کرونا، بلکه در سایر بحران‌ها و وقتی ادامه پیدا کند این پیشنهاد در سطح استانی و کشوری نتیجه آن خوب خواهد بود و راه دوم هر دانشکده و یا دانشگاهی خودش جداگانه این ستاد بحران رو تشکیل بده.»

مسأله مهم دیگر که به‌عنوان راهکاری برای افزایش توان انجمن‌ها باید به آن توجه نمود، لغو نظام انتسابی در واگذاری سمت‌ها می‌باشد و باید اجازه رأی‌گیری به اعضا و دانشجویان داده شود. در واقع باید اعضای انجمن در تعاملات خویش تفاوت‌های اجتماعی را کنار گذاشته و به نفس کار توجه کنند تا فعالیت‌ها درست پیش برود.

«سمت‌ها معمولاً انتسابی هست و این انتسابی بودن خوب نیست و باید با انتخاب خود بچه‌ها بیاد بالا و این‌رو خود دانشجو انتخاب کنه؛ مثلاً صحبت کنه و رأی‌گیری بشه.»

۱۱-۳. گفت‌وگو و مدارا

مضمون گفت‌وگو و مدارا به بستر اجتماعی و فرهنگی در کشور مربوط است که به‌خصوص در شرایط بحرانی بتواند فضای گفت‌وگو و مدارای اجتماعی و سیاسی را به‌وجود آورد. یکی از بحث‌هایی که توسط مشارکت‌کنندگان مطرح می‌شد بحث ایجاد هم‌گرایی طیف‌های سیاسی و دانشجویی است، باید بین این‌ها سازش ایجاد شود تا اعضا و گروه‌هایی که از لحاظ سیاسی گرایش‌های متفاوتی دارند بتوانند باهم کنار آمده و تعامل سازنده‌ای داشته باشند؛ در واقع، این کار باعث می‌شود که از ظرفیت‌های دارای موضع سیاسی متفاوت استفاده بهینه شود و این امر از طریق سازش‌پذیری و مدارای سیاسی امکان‌پذیر است؛ و می‌توان از ظرفیت و تخصص و استعداد‌های همه طیف‌های سیاسی استفاده کرد. هم‌چنین تأثیر جناح‌گرایی در انتخاب‌ها به حداقل

برسد و از توانایی و تخصص افراد استفاده شود؛ زیرا گاهی اوقات مثلاً از طرف طیف سیاسی راست، اعضای دیگر نیز با همین گرایش انتخاب می‌شوند و برعکس؛ و اجازه ظهور به افراد توانمند داده نمی‌شود، البته اگر این امر اتفاق بیفتد باعث افزایش روحیه تحمل‌پذیری اعضا می‌شود.

«باید این گروه‌ها بتونن با اعضایی و گروه‌هایی که از لحاظ سیاسی گرایش‌ها مختلفی دارند کنار بیان و تعامل داشته باشند.»

«از طرف طیف سیاسی راست هر دو سمت راست انتخاب می‌شه یا برعکس، ولی این‌گونه نباید باشه و هر دو طیف باید انتخاب بشن.»

زیرا برخی گروه‌ها می‌خواهند از دیگران سبقت بگیرند و به دنبال چشم‌وهم‌چشمی می‌باشند و این رقابت‌های ناسالم باید حذف گردد. در واقع، باید پذیرش جناح‌های سیاسی مختلف در مجموعه‌ها اتفاق بیفتد؛ زیرا برخی گروه‌ها می‌خواستند بهره‌برداری سیاسی داشته باشند و با آنگ‌زنی به شکل‌های دیگر در پی برآوردن اهداف خویش هستند تا کمک به هم‌نوعان. البته ناگفته نماند در برخی گروه‌ها هم به دلیل نقش پررنگ فعالیت‌های انسان دوستانه، این فضاها منفی وجود نداشته و افراد مذهبی یا دارای اعتقادات مذهبی کم در کنار هم دیگر بدون مشکل فعالیت می‌کردند؛ و این ایجاد فرهنگ و روحیه مدارای اجتماعی خیلی کارآیی داشت.

«یه رقابت ناسالم فکر می‌کنم پیش اومده که برخی گروه‌ها می‌خواهند

روی هم دیگر رو کم کنند به نوعی، می‌خواد اون هارو از گود خارج کننو»

در واقع باید به اصل کار توجه شود و تفاوت بین اعضا کنار گذاشته شود. چند نفر از مشارکت‌کنندگان بر موضوع انصاف رسانه‌ای تأکید داشتند؛ اگرچه بخش اعظم نیروهای فعال در بحران را نیروهای مذهبی تشکیل می‌دهند، اما این به معنای عدم حضور نیروهای نوع دوست نیست که ممکن است گرایش مذهبی نداشته باشند. مشارکت‌کنندگان بر این نظر بودند که بایستی پوشش رسانه‌ای، سایر گروه‌ها به جز گروه‌های دانشجویی مذهبی را نیز پوشش دهد تا انگیزه لازم را در آن‌ها ایجاد کند. در واقع یک انصاف رسانه در نهادها، سازمان‌ها و به خصوص در رسانه ملی، یعنی رادیو و تلویزیون بایستی حاکم باشد.

«من معتقدم که سیستم رسانه‌ای جمهوری اسلامی حتماً باید فعالیت

همه، حتی غیرمذهبی هارو هم پوشش بدهد.»

۱۱-۴. نوع دوستی و مسئولیت

مهم‌ترین مسأله در حل یک بحران جمعی که آحاد جامعه را درگیر خود ساخته است،

ایجاد فرهنگ مفاهمه و گفت‌وگو می‌باشد؛ زیرا با گفت‌وگو کردن در مورد زوایای مختلف موضوع با توجه به خلاقیت‌ها، همکاری، هم‌فکری‌هایی که صورت می‌گیرد بحران موجود می‌تواند رفع گردد و در این گفت‌وگوها در واقع همان انتقال تجربیات مسئولین و انجمن‌های درگیر در بحران اتفاق می‌افتد که از موازی‌کاری‌ها جلوگیری می‌کند و باعث پیش‌برد کار می‌شود.

«در کل ما به مفاهمه و گفت‌وگو نیاز پیدا کردیم و مسائلی دار به وجود می‌آید که این‌ا ن‌دیگه اسمش بحران جمعی هست و باید باهم گفت‌وگو کنیم و گفت‌وگو باعث انتقال تجربه بشه و یا در کل جلسات دوستانه برگزار بشه و به حل بحران کمک می‌کنه.»

۱۱-۵. جامعه‌پذیری نوع دوستی و مسئولیت

اقدامات یاورانه در بحران، یک فرهنگ است که بایستی در تک‌تک افراد در نظام اجتماعی جامعه پذیر شود. به هر جهت، در بحران کرونا، یک انسان دوستی خاصی حاکم است که فردی چنین خطراتی را به جان می‌خرد؛ به‌طور مثال، حاضر است به‌عنوان دانشجو در بیمارستان فعالیت کند. این موضوع از منظر کنش‌گران دینی به‌خاطر همان ارزش‌ها و دستورات دین است؛ لذا، عضویت در گروه و انجام مشارکت در فعالیت‌های انسان دوستانه برای اعضای آن، باعث ایجاد رشد روحی و معنوی می‌گردد. این تعالی معنوی به‌صورت دومینووار خود را بازتولید می‌کند؛ زیرا وقتی این افراد مسئولیت‌ها را می‌پذیرند، کسانی هستند که تفکر جهادی دارند و جذب آن‌ها درگروه‌ها باعث گسترش تفکر جهادی در سطح جامعه خواهد شد؛ و این رشد و تعالی جامعه و انجمن‌ها را در پی خواهد داشت؛ هم‌چنین باعث گسترش فرهنگ نوع دوستی در سطح جامعه خواهد شد.

«افرادی که عضو گروه هستن تفکر جهادی رو دارند. هرچه که تفکر جهادی در جامعه رشد پیدا کنه و کسانی که این تفکر رو دارند مسئولیت‌هارو بر عهده بگیرند مشکلات حل می‌شه و باید این تفکر در جامعه گسترش پیدا کنه.»

از سوی دیگر، توجه به اقدامات انسان دوستانه، یک امر فرهنگی است. تک‌تک آحاد جامعه بایستی نوعی مسئولیت اجتماعی نسبت به این بحران داشته باشند. باید آحاد مردم جامعه به این موضوع واقف باشند که اگر مشکلی در سطح جامعه همه‌گیر می‌شود دولت فقط مسئول رسیدگی به آن نیست، بلکه همه مردم باید برای رفع آن اقدام کنند و این یک مسئولیت جمعی و وظیفه همگانی می‌باشد؛ در واقع، باید نهادهای

مختلف با کمک هم دیگر به مردم آموزش بدهند و همه اقشار و صنوف جامعه پیش‌گام حل معضل گردند. این درگیرسازی مردم نیز فقط با اعتمادسازی بین مردم و انجمن‌ها و سازمان‌ها به‌عنوان سه ضلع اتفاق می‌افتد.

«باید نهادهایی مختلفی که چه در سطح دانشگاه و چه توی جامعه هستش به مردم آموزش بدن، خصوصاً الآن در وضعیت کرونا نهادهای آموزشی یا بچه‌های جامعه‌شناسی یا جامعه‌شناس‌ها باید یک‌سری آموزش‌هایی رو به مردم بدهند».

هم‌چنین باید به طبقات پایین اجتماع که در زمان بحران، بیکار شده و با مشکلات اقتصادی و معیشتی روزگار می‌گذرانند کمک شود؛ به این صورت که طبقات بالا اگر توانایی آن‌را دارند اشتغال‌زایی ایجاد کرده و افراد را در مجموعه‌های اقتصادی خویش جذب کنند تا کیفیت زندگی طبقات پایین ارتقا پیدا کند و به توانمندسازی آنان کمک کند؛ درواقع، اگر این اتصال و تعامل دهک‌های بالا و پایین جامعه اتفاق بیفتد شهروندان می‌توانند راحت‌تر با مشکلات بعد از بحران کنار بیایند که این قضایا، مسئولیت همگانی را می‌رساند.

«طبقات بالا کاری که هست رو حتی با حقوق کمتر به دست این افراد بسپارد، چون افرادی هستند که واقعاً نیازمندند و بدین صورت باشه که این‌هارو هم ارتقا بدهیم.»

مسأله بعدی این است که باید شکاف بین دانشگاه و انجمن‌ها رفع گردد به این معنی که اساتید باید با مسئولیت اجتماعی و فرهنگی خویش آشنا شوند و فقط به بحث تدریس توجه نشود، بلکه الآن در وضعیت موجود باید در حد توان و تخصص خویش به مردم یک‌سری آموزش‌هایی را برای کنار آمدن با این شرایط جدید زندگی، بدهند؛ درواقع رشته‌های دانشگاهی باید وارد عمل شوند و به مسئولیت اجتماعی خویش عمل کنند. درواقع دانشگاه نباید خودش را به‌عنوان نهاد جدایی تعریف کند و ارتباطی با انجمن‌های سطح جامعه برقرار نکند، بلکه باید همکاری سازنده‌های بین دانشگاه با انجمن شکل بگیرد تا کارها علمی‌تر و دقیق‌تر حل شوند؛ درواقع این تعاملات دوسویه است که به حل بحران کرونا کمک می‌کند.

«یه نقدی که من دارم، در این کار نهاد دانشگاه خیلی خودش رو جدا می‌گیرد و تافته جدا بافته هست و ما خیلی سعی کردیم ارتباط بگیریم برای این‌که بتوانیم کارمان رو علمی‌تر پیش ببریم و همکاری نکردن.»

هم‌چنین باید انجمن‌ها فعالیت‌های گروهی خویش را توسعه دهند و ضعف کارهای گروهی با افزایش تحمل‌پذیری خویش کاهش بدهند؛ زیرا ممکن است ضعف

کار گروهی به خاطر این مسأله باشد که انجمن‌ها، محوریت کارگروه را برای اعضا روشن نکرده‌اند و اعضای گروه با اهداف و وظایف انجمن آشنایی ندارند. در نتیجه این توجیه و آگاهی‌سازی به اعضا می‌تواند کمک‌کننده باشد.

۱۱-۶. چارچوب ضرورت‌ها و بایسته‌های توسعه اقدامات انسان‌دوستانه

با مطالعه در مضامین برساخت شده می‌توان دریافت که دو موضوع فرهنگ و سیاست، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت گروه‌های دانشجویی تأثیرگذار است. فرهنگ بایستی به سمت ایجاد بستری از مسئولیت اجتماعی و انسانی سوق داده شود، به صورتی که در بحران‌ها همه افراد نظام اجتماعی از استاد دانشگاه تا سایر افراد در این اقدامات مشارکت داشته باشند.

۱۲. بحث و نتیجه‌گیری

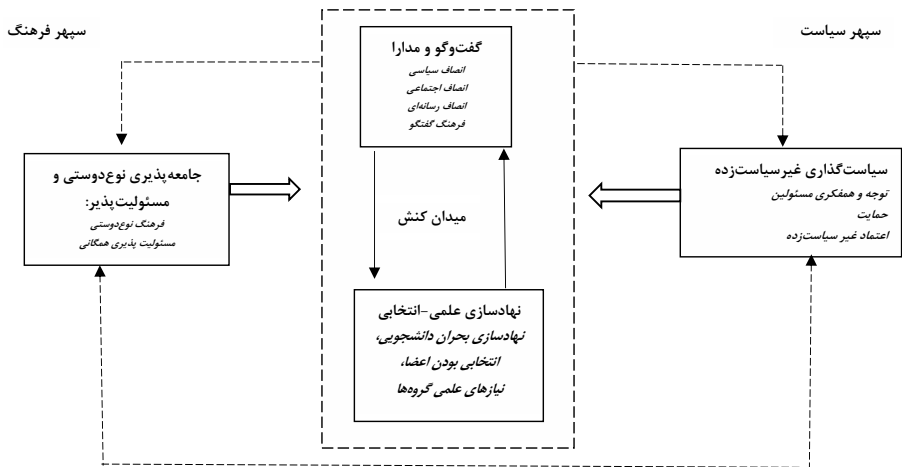
پژوهش حاضر باهدف واکاوی راهکارهای ارتقای کنش‌گری انسان‌دوستانه در گروه‌های دانشجویی در زمان بحران کرونا در شهر یزد انجام گرفته است. هم‌چنین تعداد ۴۰ مفهوم، ۱۲ مقوله و ۴ مضمون اصلی از نتایج پژوهش استخراج گردید. مهم‌ترین مقولات استخراج‌شده مدارای سیاسی، مدارای اجتماعی، انصاف رسانه‌ای، فرهنگ گفت‌وگو، فرهنگ نوع‌دوستی، مسئولیت‌پذیری همگانی، توجه و هم‌فکری مسئولین، حمایت، اعتماد غیرسیاست‌زده، نهادسازی بحران دانشجویی، انتخابی بودن اعضا، نیازهای علمی گروه‌های دانشجویی بودند. هم‌چنین چهار مضمون نهایی به‌عنوان بی‌طرفی، نهادسازی انتخابی-علمی، گفت‌وگو و مدارا، جامعه‌پذیری نوع‌دوستی و مسئولیت از مقولات به دست آمد. هم‌چنین نتایج پژوهش با یافته‌های سردارنیا و یوسفی (۱۳۹۵)، داوری و همکاران (۱۳۸۹)، صفابخش (۱۳۸۸)، داگو فرانکو و همکاران (۲۰۲۰)، درمورا و همکاران (۲۰۲۰) و هاف میستر و ناوارو (۲۰۱۷) هم‌سو بود. در واقع پژوهش‌های ذکر شده نیز به نقش مؤثر سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در حل مشکلات جامعه اشاره می‌کنند. هم‌چنین نظریات مطرح شده نیز هم‌سو با نیاز به اقدامات نهادهای مردم‌نهاد در حل مشکلات می‌باشد. پیترز (۱۹۹۷) دیدگاه اقدامات انسان‌دوستانه و شکل‌گیری مفاهیم جدیدی در روابط درون کشورها و بین کشورها را مورد بحث قرار داده است. از نظر وی اقدامات انسان‌دوستانه در جنگ‌ها و بلایا، رویکرد آتی روابط سیاسی در سطح بین‌الملل را تغییر خواهد داد. نتیجه‌گیری نهایی این است که مداخلات بشردوستانه نیازمند توسعه فرآیندهای دموکراتیزه در سراسر جهان است. هم‌چنین رویکرد مدیریت بلایای اجتماع‌محور^{۱۹} که از پایین به بالا است و در

انتقاد به رهیافت از بالا به پایین بنیان نهاده شد؛ معتقد است که با استفاده از رویکرد اجتماع‌محور برای مدیریت یکپارچه بلایا، این امید وجود دارد که اجتماع‌ها توانمندتر گردند و قادر شوند برنامه‌های توسعه را شامل برنامه‌های کاهش بلایا و آمادگی در برابر بلایا را به انجام برسانند. هم‌چنین استفاده از نظریهٔ سندمیک در موارد اضطراری بشردوستانه، می‌تواند باعث تفکر مجدد و گسترش اهداف، مکانیسم‌ها و تمرکز بر واکنش‌های اضطراری شود؛ درواقع، هم‌چنین به باور «پاتنام» شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای محکمی از بده و بستان‌های عمومیت‌یافته را رواج داده و پیدایش اعتماد اجتماعی را ترغیب می‌کند و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق کنش جمعی را ممکن می‌سازد و باعث حل مشکلات می‌شوند. درواقع، همان‌گونه که نظریات مطرح‌شده بیان کرده‌اند، بی‌طرفی سیاسی در حوزهٔ کمک‌های بشردوستانه لازم و ضروری می‌باشد؛ زیرا زمانی که مسائل اجتماعی و فرهنگی با مسائل سیاسی جامعه از نظر مردم خلط مفهومی پیدا کنند، کارها به درستی پیش نمی‌رود و پیش‌دآوری‌ها مانع انجام درست فعالیت انجمن‌های مردم‌نهاد می‌شود.

درواقع، همان‌گونه که مشارکت‌کنندگان در پژوهش اشاره کرده‌اند، توجه و هم‌فکری مسئولین برای کار آنان بسیار باارزشی می‌باشد؛ زیرا این فعالیت‌های مردم‌نهاد و انجمن‌ها با یاری‌گری و هموار کردن مسیر توسط سازمان‌های ذی‌ربط بهتر پیش می‌رود، هم‌چنین اعتماد سیاست‌گذاران به جوانان و این انجمن‌ها باید بدون چشم‌داشت و مسائل سیاسی باشد تا سیاست‌مسائل اجتماعی را تحت‌الشعاع خود قرار ندهد که همهٔ این‌ها با بی‌طرفی معنا پیدا می‌کند. هم‌چنین طبق نتایج پژوهش، باید تشکیل ستاد بحران علاوه بر سطح کلان، در سطح دانشجویی نیز انجام گیرد؛ ضروری است این اعضا بارأی‌گیری انتخاب شوند تا بهترین افراد برای حل مشکلات بحران، در رأس کار قرار گیرند تا بتوانند مشکلات انجمن و جامعه را نیازسنجی کند، چون با محیط‌آشنایی بیشتری دارند کارها تسریع می‌گردد، که همهٔ این‌ها در نهادسازی انتخابی-علمی معنا می‌یابد. اما مسألهٔ مهمی که مشارکت‌کنندگان بازگو می‌کردند در حوزهٔ گفت‌وگو و مدارا معنی پیدا می‌کرد؛ به این صورت که به نظر آنان بین خود اعضای انجمن‌ها و هم‌چنین تعامل انجمن‌ها با همدیگر مدارای اجتماعی وجود ندارد و این می‌تواند به خاطر تفاوت نگاه‌ها به مسألهٔ بحران باشد که باید فرهنگ مدارا در آنان نهادینه گردد. از نظر آنان مسألهٔ بعدی مشکل انصاف رسانه‌ای است که رسانه‌های مختلف آن‌گونه که باید فعالیت‌های همهٔ انجمن‌ها را پوشش نمی‌دادند و آن انجمن‌هایی که خط‌مشی و تفکرات همانندی با آنان داشتند در اولویت بودند که

این باعث دل‌سردی و ایجاد رقابت کاذب بین انجمن‌ها می‌گردد و آنان را از اهداف اصلی دور می‌ساخت. مسأله بااهمیت بعدی نیز بحث ایجاد جامعه‌پذیری نوع‌دوستی و مسئولیت در جامعه می‌باشد که اگر این اتفاق به‌طور کامل بیفتد تعداد انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد بیشتر شده و همه افراد می‌توانند به مسئولیت اجتماعی خویش عمل کنند. از سطوح خرد و حضور افراد تا سطوح بالاتر حضور نهادها و سازمان‌های مختلف که نشان از گسترش روحیه ایثار و فداکاری در جامعه دارد.

مطابق یافته‌های پژوهش، دو سپهر فرهنگ و سیاست به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر میدان کنش‌گری اقدامات انسان‌دوستانه تأثیر دارند (نمودار ۱). در اثر مستقیم این دو مؤلفه، بر دو مؤلفه نهادسازی علمی-انتخابی و مؤلفه فرهنگ گفت‌وگو و مدارا تأثیر مستقیم دارند. این تأثیر مستقیم از طریق نحوه کنش‌گری حوزه فرهنگ و سیاست است؛ به‌طور مثال، زمانی که تصمیمات و راهبردها در بحران مبنی بر سیاست‌زدگی و جناحی عمل کردن باشد، فرهنگ گفت‌وگو و مدارا را تضعیف می‌کند. این موضوع از سوی دیگر باعث شده که تشکل‌ها و گروه‌های دانشجویی حاضر در بحران نتوانند به‌درستی عمل کنند و این درست عمل کردن - به‌ویژه در شیوه انتخاب مسئولین و نحوه مواجهه با سازمان‌ها - به‌خصوص سازمان‌ها دولتی در بحران می‌باشد. بدیهی است که در بستر فرهنگ سیاست‌زده، گروه دانشجویی، مهم‌ترین دغدغه‌اش، کنش‌گری براساس شیوه سیاستی است که به آن‌ها نگاه کرده یا از آن‌ها حمایت می‌کند. در چنین وضعیتی مشارکت‌کنندگان از طیف‌های مختلف در مطالعه حاضر نشان دادند



نمودار ۱. راهکارهای ارتقای کنش‌گری انسان‌دوستانه در گروه‌های دانشجویی (مدل چارچوب)، (نگارندگان، ۱۳۹۹).

که نوعی شایسته‌سالاری در انتخاب مسئولین اتفاق نمی‌افتد. گفت‌وگو و چانه‌زنی با سازمان‌ها برای دریافت حمایت در بحران براساس جناح و طیف انجام می‌گیرد و در نهایت بخش اعظم نیروی فعال دانشجویی تباه می‌گردد. از سوی دیگر، گروه‌های دانشجویی دیگری هم وجود دارند که به صورت غیرجناحی عمل می‌کنند. در بستری که بخش اعظم گروه‌های دانشجویی را تشکل‌های سیاسی و حامیان بیرونی و درونی آن‌ها تشکیل می‌دهد، گروه‌های دانشجویی، غیرسیاسی و زنه‌ای در بستر بحران تلقی نمی‌شوند و نحوه مواجهه سازمان‌ها با گروه و تشکل‌های اصلی دانشگاهی می‌تواند راهنمای نگرش و کنش آن‌ها در بحران باشد. طبیعی است که سیاست‌زدگی، اولین اصلی را که زیرسؤال می‌برد، فرهنگ گفت‌وگو و مداراست. تجربه مشارکت‌کنندگان در تحقیق نشان داد که شیوه مواجهه بعضی سازمان‌ها در شهر یزد، به گونه‌ای بوده که گروه‌های دانشجویی از طیف مقابل را حتی به گفت‌وگو هم مشارکت نمی‌دادند، چه رسد که بخواهند حمایت‌های مالی یا اجتماعی از آن‌ها کنند. چنین بستری به صورت آشکار و پنهان فرهنگ تضاد و ستیز را در بستر دانشجویی فراهم کرده و گفت‌وگو و مدارا را به حاشیه می‌برد. گروه‌های دانشجویی تصور می‌کنند که در بستری از ستیزهای سیاسی وارد شده‌اند که هدف اصلی که کمک به بحران است، قربانی تضادهای سیاسی و به تبع آن اجتماعی است. در چنین بستری، رسانه سوگیری‌های خاص خود را دارد و هر سازمان و نهاد دولتی تلاش می‌کند؛ موفقیت‌های خود را رسانه‌ای کرده و در گفتمان سوگیری شده، موفقیت‌های طرف مقابل را نادیده بینگارد. بنابراین، ضرورت دارد که در این بستر، نوعی انصاف رسانه‌ای وجود داشته باشد. انصاف رسانه‌ای نه از تشکل‌های سیاسی که وزنه‌های اصلی مشارکت در بحران را تشکیل می‌دهند، بلکه گروه‌های غیرسیاسی دانشجویی که به صورت فعال در بحران مشارکت دارند و حتی سازمان‌های مردم‌نهاد در بستر جامعه؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین راهکارها، بی‌طرفی سیاست در مدیریت بحران است. سیاست‌گذاران در بحران، بایستی با توجه به شایستگی و سرمایه‌های اجتماعی گروه‌های دانشجویی به آن‌ها کمک کنند، نه براساس گروه یا جناح سیاسی آن‌ها. در سوی دیگر، سپهر ارتقای اقدامات انسان دوستانه در بحران، مسأله فرهنگ است. فرهنگ، در یک نظام اجتماعی دربرگیرنده لایه‌هایی ارزشی و مفهومی است که به بازتولید کنش اجتماعی خاص می‌انجامند. در این زمینه، فرهنگ نوع دوستی و مسئولیت‌پذیری همگانی نیازمند تعمیق بیشتر است؛ به طور مثال، اگرچه اساتید زیادی در بحران کرونا اقدامات انسان دوستانه، جدای از اقدامات دانشجویان، انجام دادند، اما دانشجویان انتظار داشتند که اساتید با توجه به توانمندی خود، در این اقدامات بیشتر مشارکت داشته باشند. بعضی از مشارکت‌کنندگان به این موضوع که اساتید در این بحران مشارکتی در

فعالیت‌های دانشجویان نداشتند، انتقاد داشتند. این موضوع البته همچنان که شامل اساتید دانشگاه می‌شود، شامل سایر گروه‌های اجتماعی می‌شود و موضوعی است که بایستی به فرهنگ عمومی تبدیل شود. در واقع، لایه‌های ارزشی شهروندان، بایستی از مفاهیمی چون نوع دوستی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرایط بحران برخوردار باشد. در این شرایط است که می‌توان امیدوار بود که در بحران‌های این چنین یک شکل جمعی از اقدامات انسان دوستانه را ملاحظه نمود. فرهنگ نوع دوستی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر فرهنگ گفت‌وگو و مدار از یک سو و نهادسازی علمی-انتخابی تأثیرگذار است. علت امر نیز در این موضوع نهفته است که چنین فرهنگی، اهداف بلندتری از دغدغه‌های سیاسی و منافع فردی و شخصی را دنبال می‌کند و آن کمک به هم نوع می‌باشد. زمانی که چنین مسأله‌ای مورد توجه است، طبیعی است که در میدان کنش دانشجویی، از یک سو بین گروه‌های دانشجویی از طیف‌های مختلف، گفت‌وگو و تساهل پیش خواهد آمد؛ و از دیگر سو، از آنجایی که مهم‌ترین مسأله اثربخشی است، گروه‌های دانشجویی تلاش خواهند کرد تا با هم‌افزایی ظرفیت‌های خود، رویکردهای علمی را در مواجهه با بحران انجام دهند. هم‌چنین در انتخاب مسئولین در سطوح مختلف، مهم‌ترین معیار توانمندی‌های علمی و تجارب فردی باشد تا وابستگی گروهی و جناحی. به نظر می‌رسد طبق صحبت مشارکت‌کنندگان، هرچه فرهنگ اجتماعی به سمت نوعی مسئولیت‌پذیری در بحران برود، احتمال این که فرهنگ سیاسی نیز به سمت وسوی راهبردهای بی‌طرفی سیاسی برود بیشتر است؛ چراکه کنش‌گران سیاسی در چنین سپهر فرهنگی، بیشتر از آنکه به فکر منافع سیاسی یا حزبی خاص باشند، به فکر آسیب دیدگان بحران و ارتقای وضعیت اقتصادی، اجتماعی و روانی آن‌ها خواهند بود. در این شرایط، ارجحیت کنش‌گری سیاست‌گذاران، کمک به هم‌نوع است، فارغ از هرگونه طیف‌بندی سیاسی یا جناحی. در میدان کنش نیز، بین فرهنگ گفت‌وگو مدارا و نهادسازی انتخابی-علمی در شرایط بحران، رابطه دوسویه و مستقیم وجود دارد. اگر گروه‌های دانشجویی بتوانند، رقابت‌های سیاسی خود در شرایط بحران را به حاشیه ببرند، تلاش خواهند کرد در مدیریت بحران، از بیشترین ظرفیت‌های طرفینی بهره‌برده و طبیعی است که در این شرایط احتمال اثربخشی اقدامات انسان دوستانه بیشتر خواهد بود.

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان راهکارهایی را برای ارتقای کنش‌گری‌های انسان دوستانه در سطح نهاد‌های غیررسمی پیشنهاد می‌شود؛ اهمیت دادن به سپهر فرهنگی و ظرفیت بالقوه آن در بحران‌ها، دوری‌گزینی از سیاست‌زدگی در مداخلات بحران، و جامعه‌پذیری در بسترهای خانواده، و مدارس با ایجاد فرهنگ مسئولیت‌پذیری و نوع دوستی.

سپاسگزاری

تحقیق حاضر با حمایت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۹۹ انجام شد که بدین‌وسیله مراتب قدردانی به عمل می‌آید. هم‌چنین از مشارکت‌کنندگان در تحقیق تشکر و قدردانی می‌شود.

پی‌نوشت

1. Yáñez-Sandivari
2. Hofmeister & Navarro
3. Gibbons
4. Rasheed
5. Bapuji
6. Duque Franco
7. Pillai
8. Peters
9. Turner
10. deMoura
11. Hendriksa & Boersmab
12. Zissman
13. Lincoln & Guba
14. Rigor
15. Credibility
16. Dependability
17. Conformability
18. Transferability
19. Community Based Disaster Management

کتابنامه

- اسکندریان، غلامرضا، (۱۳۹۹). «ارزیابی پیامدهای ویروس کرونا بر سبک زندگی (با تأکید بر الگوی مصرف فرهنگی)». فصلنامه علمی-تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، شماره ۲، ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا، صص: ۶۵-۸۵.
- ابوالحسنی، سید رحیم، (۱۳۸۸). «کارکردهای تشکل‌های دانشجویی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، صص: ۱-۲۳.
- بالوئی جامخانه، عزت‌الله؛ باقرزاده، محمدرضا؛ طبری، مجتبی؛ و روشن‌بخش، فاطمه، (۱۳۹۰). «مطالعه میزان توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) فعال در حوزه بهزیستی استان مازندران». فصلنامه فراسوی مدیریت، سال ۵، شماره ۱۸، صص: ۹۹-۱۲۳.
- داوری، کورش؛ شجاعی‌مقدم، امیررضا؛ و رضوی مطلق، و زهرا السادات، (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بین روش‌های جلب مشارکت با انجام فعالیت‌های داوطلبانه در بین

- داوطلبان جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویر احمد در سال ۱۳۸۹». فصلنامه علمی امداد و نجات، سال ۲، شماره ۴، صص: ۴۶-۵۱.
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین، (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه از تاسیس تا فعالیت». فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲، صص: ۵۴۱-۵۶۷.
- رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا؛ پورطاهری، مهدی؛ صادق‌لو، طاهره؛ و سجاسی‌قیداری، حمدالله، (۱۳۸۹). «تحلیل عوامل مؤثر در مدیریت مشارکتی سیل در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای سیل‌زده حوضه گرگانرود استان گلستان)». فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۲، صص: ۱-۲۶.
- سردارنیا، خلیل‌الله؛ و یوسفی، بهمن، (۱۳۹۵). «سنجش رابطه اعتماد و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی، دانشجویان دانشگاه شیراز». دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، سال ۱۲، شماره اول، پیاپی ۲۳، صص: ۵-۲۶.
- صفابخش، محسن، (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر در جذب جوانان برای عضویت در جمعیت هلال احمر مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران». نشریه امداد و نجات، دوره ۱، شماره ۸، صص: ۸-۱۶.
- طیب‌نیا، محمدصالح؛ و ربانی‌اصفهانی، حوریه، (۱۳۹۷). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های داوطلبانه خیرخواهانه». پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۲۴، شماره ۲ (پیاپی ۱۱۷)، صص: ۱-۲۵.
- قلی‌پور. آرزو، (۱۳۹۵). «مدیریت بلایای طبیعی در جمهوری اسلامی ایران و همکاری‌های منطقه‌ای بین‌المللی». فصلنامه سیاست، سال ۳، شماره ۱۰، صص: ۶۹-۵۱.
- عاملی، سید سعیدرضا؛ و حجاری، منصوره، (۱۳۹۷). «مطالعه انگاره‌های ذهنی تشکل‌های دانشجویی دانشگاه تهران: انگاره‌های شخصی انجمن اسلامی و خویشتن بسیج دانشجویی». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال ۱۱، شماره ۳، پیاپی ۴۳، صص: ۱۰۳-۱۳۰.
- محمدی، امین؛ عسکرزاده، الهه؛ پوراحمدی، الهه؛ حسین‌الحسینی، نجمه؛ و وفایی‌نجار، علی، (۱۳۹۸). «بررسی عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت مالی از هزینه‌های درمانی بیماران در دانشگاه علوم پزشکی مشهد». مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سال ۶۲، شماره ۱، صص: ۱۳۶۲-۱۳۵۴.

- Blair, R. A.; Morse, B. S. & Tsai, L. L., (2017). "Public health and public trust: Survey evidence from the Ebola Virus Disease epidemic in Liberia". *Social Science & Medicine*, No. 172, Pp: 89-97.
- Creswell, J. W. & Poth, C. N., (2016). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
- De Moura, E. H.; e Cruz, T. B. R. & Chirolí, D. M. D. G., (2020). "A framework proposal to integrate humanitarian logistics practices, disaster management and disaster mutual assistance: A Brazilian case". *Safety Science*, No. 132, Pp: 104965.
- Duque Franco, I.; Ortiz, C.; Samper, J. & Millan, G., (2020). "Mapping repertoires of collective action facing the COVID-19 pandemic in informal settlements in Latin American cities". *Environment and Urbanization*, No. 32(2), Pp: 523-546.
- Hofmeister, U. & Navarro, S., (2017). "A psychosocial approach in humanitarian forensic action: The Latin American perspective". *Forensic science international*, No. 280, Pp: 35-43.
- Hendriks, T. D. & Boersma, F. K., (2019). "Bringing the state back in to humanitarian crises response: Disaster governance and challenging collaborations in the 2015 Malawi flood response". *International Journal of Disaster Risk Reduction*, N. 40, Pp: 101-262.
- Gibbons, P.; Roughneen, D.; McDermott, R. & Maitra, S., (2020). "Putting affected people at the Centre of humanitarian action: an argument for the principle of humanitarian subsidiarity". *Disasters*, No. 44(3), Pp: 499-517.
- Kohrt, B.A. & Carruth, L., (2020). "Syndemic effects in complex humanitarian emergencies: A framework for understanding political violence and improving multi-morbidity health outcomes". *Social Science & Medicine*, Pp: 113-378.
- Lechuga, V. M., (2012). "Exploring culture from a distance: The utility of telephone interviews in qualitative research". *International Journal of Qualitative Studies in Education*, No. 25(3), Pp: 251-268.
- Mitchell, M. L. & Chaboyer, W., (2010). "Family Centred Care—A way to connect patients, families and nurses in critical care: A qualitative study using telephone interviews". *Intensive and Critical Care Nursing*, No. 26(3), Pp: 154-160.

- Novick, G., (2008). "Is there a bias against telephone interviews in qualitative research?". *Research in nursing & health*, No. 31(4), Pp: 391-398.
- Pillai, R. R.; Kumar, A. & Krishnadas, N., (2015). "Role of self-managing leadership in crisis management: An empirical study on the effectiveness of Rajayoga". *IIM Kozhikode Society & Management Review*, No. 4(1), Pp: 15-37.
- Pieterse, J. N., (1998). "Sociology of humanitarian intervention: Bosnia, Rwanda and Somalia compared". In: *World Orders in the Making* (Pp: 230-265). Palgrave Macmillan, London.
- Polit, D. F. & Beck, C. T., (2014). *Essentials of nursing research. Appraising evidence for nursing practice*, 8.
- Rasheed, H.; Nawaz, H. A.; Rao, A. Z. & Bukhari, S. K. S., (2019). "Role of Pharmacists in Responding to Humanitarian Crisis". *Encyclopedia of Pharmacy Practice and Clinical Pharmacy*, 317.
- Srivastava, A., & Thomson, S. B., (2009). "Framework analysis: a qualitative methodology for applied policy research". *Policy Research*, No. 4(2), Pp: 72-79.
- Srivastava, V. K., (2020). "Anatomy of Stigma: Understanding COVID-19". *Social Change*, No. 50(3), Pp: 385-398.
- Yáñez-Sandivari, L.; Cortés, C. E. & Rey, P. A., (2020). "Humanitarian Logistics and Emergencies Management: New perspectives to a sociotechnical problem and its optimization approach management". *International Journal of Disaster Risk Reduction*, No. 10, Pp: 19-52.
- Ward, K.; Gott, M. & Hoare, K., (2015). "Participants' views of telephone interviews within a grounded theory study". *Journal of advanced nursing*, No. 71(12), Pp: 2775-2785.
- Zissman, M. A.; Evans, J. E.; Holcomb, K. T.; Jones, D. A.; Kercher, M. R.; Mineweaser, J. L., ... & Heatherly, C. C., (2014). "Development and use of a comprehensive humanitarian assessment tool in post-earthquake haiti". *Procedia Engineering*, No. 78, Pp: 10-21.